

روش‌شناسی تفسیر

منهج الصادقین فی الزام المخالفین

• علی خادم‌پیر*

چکیده: فضای اجتماعی - فرهنگی دوران صفویه، موجب شکوفایی علم و دانش و ظهور دانشمندان در عرصه‌های مختلف علوم شده بود. در این دوره، کتابهای مختلفی در زمینه‌های حدیث، فلسفه، تفسیر و... تألیف شد و برخی از علما به نوشتن کتابهای دینی به زبان فارسی دست زدند. یکی از کسانی که به نوشتن تفسیر قرآن به زبان فارسی پرداخت ملا فتح‌الله کاشانی، دانشمند عصر شاه اسماعیل صفوی بود که تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین را نگاشت.

شاید بتوان این تفسیر را بعد از تفسیر ابوالفتح، بهترین و جامع‌ترین تفسیر فارسی تألیف شده تا آن زمان دانست. ملا فتح‌الله کاشانی در تفسیر خود، مباحث مختلف کلامی، فقهی، ادبی و... را مطرح کرده است؛ اما مؤلف بیشتر بر استفاده از روایات اهل بیت (علیهم السلام) در تفسیر خود اهتمام داشته؛ تا جایی که، برخی این تفسیر را از تفاسیر مأثور به شمار آورده‌اند. انگیزه مؤلف در نگارش این تفسیر، علاوه بر نوشتن تفسیری جامع برای فارسی‌زبانان، واکنش نسبت به روش کاشفی سبزواری صاحب تفسیر مواهب علیه بود که در تفسیرش به روایات اهل بیت توجهی نکرده و وابستگی خود

* دانشجوی دوره کارشناسی ارشد دانشکده علوم حدیث، گرایش تفسیر اثری

به شیعه و اهل بیت (علیهم السلام) را بروز نداده بود و ملا فتح‌الله در واکنش به روش وی، به مناسبت‌های مختلف، مباحث کلامی در زمینه حقانیت شیعه و فضایل اهل بیت (علیهم السلام) را مطرح نمود. ابتدا نگاهی گذرا به زندگانی ملا فتح‌الله کاشانی خواهیم داشت و سپس به شناسایی روشی که وی در این تفسیر داشته است می‌پردازیم.

شرح حال مؤلف

ملا فتح‌الله بن شکرالله کاشانی، عالم و مفسر دوره شاه طهماسب صفوی بوده است. وی تحصیلات خود را نزد اساتید متعددی، از جمله: علی بن حسن زواره‌ای، از مفسرین معروف قرن دهم که شاگرد محقق ثانی است، گذرانده است.

در مورد تاریخ تولد و شرح زندگی وی اطلاعات چندانی در دست نیست. اما تاریخ وفات وی سال (۹۸۸ هـ) در کاشان بوده است. گرچه صاحب الذریعه دو قول ذکر کرده است:^۱

۱- نقل از کشف العجب: سال ۹۷۷ در کشمیر، ۲- نقل از روضات سال ۹۸۸ در کاشان.

خود آقا بزرگ تهرانی قول دوم را صحیح می‌داند و این به علت شعری است که یکی از شعرا در تاریخ وفات وی سروده است:

مفتی دین مبین، کاشف قرآن مبین واقف سر قدر، عالم اسرار قضا

هادی وادی تفسیر که در حل کلام خاطرش بود در اسرار یقین پرده گشا

۱. آغا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۷، ص ۲۳۳.

ملکی ذات، فلک مرتبه، فتح الاسلام
 قدوة اهل فقاہت که به مصباح دروس
 کرد پرواز به شهباز سبک جنبش عزم
 فقها را چو ملاذی بجز آن قدوه نبود
 که بُد از قوت او رایت اسلام بپا
 همه را بود به ارشاد به حق راهنما
 دل وسعت طلبش ناگه از این تنگ‌فضا
 بهر تاریخ نوشتند ملاذ الفقها^۲

که این شعر به حساب ابجدی، سال ۹۸۸ می‌شود.

تألیفات مؤلف

ملا فتح‌الله یکی از نویسندگان پرکار و موفق دوره صفوی به شمار می‌رود که از تألیفات وی می‌توان کتابهای ذیل را نام برد:

۱. منهج الصادقین فی الزام المخالفین.
۲. تفسیر خلاصه المنهج (که خلاصه منهج الصادقین است).
۳. تفسیر زبدة التفاسیر.
۴. ترجمة القرآن.
۵. شرح نهج البلاغه یا تنبیه الغافلین و تذکرة العارفين که صاحب اعیان الشیعه اینها را دو کتاب جداگانه فرض کرده است.^۲
۶. شرح احتجاج طبرسی.
۷. ملاذ الفقها.
۸. مادة التاريخ.

۲. طبقات مفسران شیعه، ج ۲، ص ۴۱۵.

۳. اعیان الشیعه، ج ۱۳، ص ۵۶.

فصلنامه



شماره ۱۱ و ۱۲
 پاییز و زمستان ۸۳

نظر علما درباره ملا فتح الله و کتاب منهج الصادقین

آغا بزرگ تهرانی می نویسد:

«منهج الصادقین فی تفسیر القرآن المبین و الزام المخالفین؛ فارسی کبیر فی ثلاث مجلدات کبار، للمولی المفسر فتح الله کاشانی ... و هو مطبوع و ذکر فی خطبته أنه أورد كثيراً من اخبار العامة الزاماً لهم و اختصره و سماه خلاصة المنهج».^۴

میرزا عبدالله افندی نیز می نویسد:

«وی فاضلی خردمند، دانشمندی کامل و بزرگوار، فقیهی متکلم و دانشور و از دانشمندان روزگار شاه طهماسب و دیگر پاشاهان صفویه و از شاگردان علی بن حسن زواری مفسر بنام است که توسط او از شیخ علی کرکی روایت می کرده است».^۵

آقای معرفت می گوید:

«منهج الصادقین، تنها شرح و تفسیر قرآن نیست؛ بلکه تفسیری جامع و مشتمل بر مباحث مختلف و متنوع، به زبان فارسی است ... متن را با نثری شیوا و روان نوشته است و هر جا که مناسب دیده از اخبار و روایات اهل بیت عصمت (علیهم السلام) کمک گرفته است».^۶

در کتاب طبقات مفسران شیعه آمده:

«این تفسیر یکی از تفاسیر بزرگ زبان فارسی است ... تلاش این تفسیر بر این است که حجت هر گروهی را از آیات قرآنی متذکر و

فصلنامه



شماره ۱۱ و ۱۲
بایز و زمستان ۸۳

۴. الذریعه، ج ۳۴، ص ۱۹۳.

۵. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ج ۴، ص ۳۹۲.

۶. تفسیر و مفسران، ج ۲، ص ۲۰۶.

نکات ادبی و قرائتی آن را یادآور شود».^۷

همچنین علامه شعرانی دو مقدمه بر کتاب *منهج الصادقین* نوشته است که یک مقدمه آن در جلد اول نگاشته شده و حاوی مطالب ذیل می‌باشد:

«قرآن و تلاوت آن باید به تواتر ثابت شود. اختلاف در قرائت، اختلاف مصاحف مدارک قُرأ، تواتر قرائات سبع، حدیث نزل القرآن علی سبعة احرف، حدیث اقرأ كما یقرأ الناس، عدم نقص و تحریف قرآن، تفسیر قرآن وظیفه معصوم است، انواع تفاسیر، اقوال اهل سنت در تفاسیر، اسرائیلیات، تفسیر عرفانی، حکمت و فلسفه، تفسیر مفهومی و مصداقی، اعجاز قرآن، رسم الخط قرآن، اخبار آحاد در تفسیر، تأویل، کیفیت وحی، تنافی ظواهر، ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و مقام جبرئیل در وحی».

علامه شعرانی یک مقدمه هم در جلد دوم آورده و ذکر می‌کند که:

«بعد از انتشار جلد اول کتاب، عده‌ای از دوستان، سؤالاتی مطرح نمودند که این مقدمه در جواب سؤالات ایشان ذکر شده و شامل موضوعات ذیل می‌باشد: جمود بر قرائت الفاظ قرآن، تفاسیر جدید، تفسیر صدرالمتهلین، آیات منسوخه، اقوال اهل سنت در تفسیر و احادیث ضعیف».

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه ملا فتح الله کاشانی

ملا فتح الله در مقدمه خود ابتدا انگیزه نگارش این تفسیر را بیان کرده است که از مجموع مباحث وی می‌توان سه انگیزه برای نگارش وی در نظر گرفت: ۱.

۷ طبقات مفسران شیعه، ج ۲، ص ۴۱۱.

نگارش تفسیری برای فارسی زبانان نه بیش از اندازه مفصل و نه بیش از اندازه مختصر، ۲. واکنش نسبت به روش صاحب تفسیر مواهب علیه که به روایات اهل بیت (علیهم السلام) توجهی نکرده و هیچ گونه نشانه‌ای از وابستگی خود به شیعه و اهل بیت (علیهم السلام) بروز نداده بود،^۸ ۳. نوشتن تفسیری جامع. وی همچنین، در مقدمه علت انتخاب این نام را چنین ذکر کرده است:

«... و چون مقصد اقصی و مطلب اعلی از این منتخب، ایضاح طریق ائمه صادقین است به حجج واضحه و الزام مخالفین به براهین باهره، از این جهت مسمی شد به منهج الصادقین فی الزام المخالفین و بر پنج مجلد ترتیب یافت؛ به جهت موافقت آن به عدد آل عبا»^۹.

مقدمه منهج الصادقین مشتمل برده فصل است:

فصل اول: در ذکر اسامی بعضی از قرآی قرآن و صحت اسناد ایشان.

فصل دوم: در ذکر اسامی قرآن و معنی سوره و آیه و وجه تسمیه هر یک از آنها.

فصل سوم: در بیان اصح اعداد آیات قرآنی و فایده و معرفت آن. عدد اهل کوفه اصح اعداد است؛ زیرا که آن مسند است به حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام).

فصل چهارم: در تبیین معنی تفسیر و تأویل قرآن و ذکر اقسام معانی فرقان. تفسیر، کشف مراد است از لفظ مشکل و آن مشتق است از فسر به معنی روشن

۸. تفسیر مواهب علیه، معروف به تفسیر کاشفی نوشته کمال الدین حسین بن علی واعظ کاشفی سبزواری (م ۹۱۰ هـ) از علمای دربار تیموریان، رک: تفسیر و مفسران، ج ۲، ص ۲۰۵.
۹. منهج الصادقین، ج ۱، ص ۴ مقدمه.

کردن. تأویل در لغت به معنی: «ما یؤول الیه شیء» است؛ یعنی، آن چیزی که معنی کلام به آن راجع شود و در اصطلاح، عبارت است از: «ردّ محتملین به آنچه مطابق ظاهر نباشد».

فصل پنجم: در تفسیر حدیثی که عامه از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) روایت کرده‌اند که: «نزل القرآن علی سبعة احرف کلها شاف کاف».

فصل ششم: در بیان حدیث «من فسر القرآن برأیه و اصاب الحق فقد أخطأ» که عامه از حضرت رسالت (صلی الله علیه و آله) نقل کرده‌اند و معنای آن و حدیثی که به خیر صحیح از سید مرسلین و ائمه معصومین (علیهم السلام) ثابت شده که: «تفسیر القرآن لا یجوز الا بالاثر الصحیح و النص الصریح» که برخی ظاهر این احادیث را گرفته‌اند و تفسیر آیات را به روایات مأثور محدود کرده‌اند در حالی که این دو حدیث، مخصوص آیات مجمل و متشابه هستند. کما اینکه خود خداوند متعال می‌فرماید: ﴿أفلا یتدبرون القرآن ام علی قلوب اقفالها﴾ و یا پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «إن القرآن ذلول ذو وجوه فاحملوه علی احسن الوجوه».

فصل هفتم: در آنکه قرآن مصون و محفوظ از زیاده و نقصان است.

فصل هشتم: در آنکه قرآن در عهد رسول الله (صلی الله علیه و آله) مجموع و مرتب و مؤلف بود علی ما هو علیه الآن. علم الهدی در تصنیفات خود آورده:

«استدلال بر این مدعا آن است که در زمان آن حضرت قرآن را به درستی می‌خواندند و حفظ جمیع آن می‌کردند و معین و مقرر شده بود که جمعی از اصحاب در حفظ آن می‌کوشیدند و آن را همیشه بر پیغمبر عرض می‌کردند و پیوسته بر او می‌خواندند و جماعتی از صحابه، مثل: عبدالله بن مسعود و ابی بن کعب و غیر ایشان، چندین نوبت ختم قرآن کرده بودند».

فصلنامه

شماره ۱۱ و ۱۲
پاییز و زمستان ۸۳

فصل نهم: در بیان اعجاز قرآن و خرق عادات و استدلال به آن بر صدق دعوی خاتم پیغمبران.

فصل دهم: در ذکر احادیث و اخباری که دلالت می‌کند بر ترغیب قرائت قرآن و دانستن معانی فرقان.

شیوه تفسیر

ملا فتح‌الله در تفسیر سوره‌ها از نظم خوب و یکسانی پیروی کرده است. به طوری که ابتدا به بحث مکی و مدنی سوره‌ها، بعد عدد آیات و بعد از آن نامهای سوره و بعد ثواب قرائت سوره و سپس تناسب و ارتباط سوره و بعد از آن اسباب النزول و سپس به مباحث تفسیری می‌پردازد که ما به هر یک از اینها اشاره می‌کنیم.

مکی و مدنی:

از اظهار نظرهایی که مؤلف راجع به مکی و مدنی بودن سُور می‌کند، معلوم می‌شود که ملاک مکی یا مدنی بودن سوره‌ها، مکان نزول سور است؛ مثلاً در تفسیر سوره مائده می‌گوید: «سوره مائده مدنی است مگر آیه ﴿الیوم اکملت لکم دینکم﴾ که نزول آن در حجة الوداع است».^{۱۰} همچنین، در تفسیر سوره نساء می‌نویسد: «همه آیات این سوره مدنی است و نزد بعضی مکی است؛ مگر قوله تعالی:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾ و قوله تعالی: ﴿وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يَفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ...﴾ که هر دو آیه در

۱۰. همان، ج ۳، ص ۶۱، ذیل تفسیر سوره مائده.

مکه فرود آمده است.^{۱۱}

در ذیل تفسیر سوره حمد می‌نگارد: «بدان که این سوره نزد عبدالله بن عباس و قتاده مکی و نزد مجاهد مدنی است و اولی اصح است؛ از آنجا که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: "نزلت فاتحة الكتاب بمكة من كنز تحت العرش" و ابن عباس روایت کرده که چون حضرت رسول (صلی الله علیه و آله)، در مکه، به ادای رسالت برخاست سخن اول او این بود که: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ تا آخر.^{۱۲}

در ذیل تفسیر سوره بقره می‌نویسد: این سوره مدنی است مگر آیه ﴿وَ اتَّقُوا﴾ یوماً ترجعون فيه إلى الله﴾ تا آخر که در حجة الوداع در موضع منا نازل شده است.^{۱۳}

عدد آیات

مؤلف در مقدمه تفسیر، فوایدی را برای معرفت تعداد آیات قرآن ذکر می‌کند؛ از جمله اینکه: «چون قاری در حین قرائت به اصابع خود شمارش آن نماید، او را ثواب بیشتر حاصل شود. زیرا که در این صورت انگشتان خود را با دل و زبان مشغول خواهد ساخت.» و همچنین از حمزة بن حبيب زیات که از قرائی سبعة است منقول است که: «العدد مسامیر القرآن»؛ عدد آیات مسمارهای قرآن است. چه قرآن به آنها بند می‌شود و در دل قرار می‌گیرد. مؤلف اصح اعداد آیات را عدد اهل کوفه می‌داند؛ زیرا، مسند به حضرت امیرالمؤمنین است. به خلاف عدد مکه و مدینه و بصره و شام؛ چرا که آنها مأخوذ از آن حضرت یا

۱۱. همان، ج ۲، ص ۴۲۳، ذیل تفسیر سوره نساء.

۱۲. همان ج ۱، ص ۲۲، ذیل تفسیر سوره حمد.

۱۳. همان، ص ۵۶، ذیل تفسیر سوره بقره.

فصلنامه



شماره ۱۱ و ۱۲
پاییز و زمستان ۸۳

ائمه ديگر نيستند.^{۱۴}

وي معمولاً علاوه بر ذکر اعداد آيات اهل کوفه، اعداد آيات بصري، شامي، و ... را در صورت مخالفت با اعداد اهل کوفه نقل مي کند. مثلاً در مورد سوره مائده مي نويسد: «عدد آيات آن صد و بيست است و در نزد بصريان صد و بيست و سه است و در نزد غير ايشان صد و بيست و دو مي باشد».^{۱۵}

نامهاي سوره

مؤلف معمولاً علاوه بر نامهاي مختلف يک سوره، وجه تسميه هر يک از آن نامها را ذکر مي کند. به عنوان مثال، در مورد سوره اخلاص مي گويد: «تسميه اين سوره به اخلاص به جهت آن است که غير توحيد چيز ديگري در آن نيست ... و اين سوره را سوره الصمد و نسبة الرب نيز گویند و در حديث آمده: "لکل شيء نسبة و نسبة الرب سورة الاخلاص" و او را سوره الاساس نيز مي گویند؛ به جهت آنکه، مشتمل است بر اصول دين».^{۱۶}

ثواب قرائت سوره

مؤلف در اين باب به روايتهاي فراواني از پيامبر (صلى الله عليه و آله) و ائمه اطهار (عليهم السلام) استناد مي کند؛ مثلاً در ذيل تفسير سوره انشراح مي نويسد: «ابي بن كعب از پيامبر (صلى الله عليه و آله) روايت کرده که هر که اين سوره را قرائت کند ثواب او چون ثواب کسی باشد که با من ملاقات کرده باشد و مرا از غمها شاد کرده باشد و شفاعت او بر من واجب است».^{۱۷}

۱۴ همان، ص ۸ و ۹ مقدمه.

۱۵ همان، ج ۳، ص ۱۶۱، ذيل تفسير سوره مائده.

۱۶ همان، ج ۱۰، ص ۳۹۱، ذيل تفسير سوره اخلاص.

۱۷ همان، ص ۲۸۱، ذيل تفسير سوره انشراح.

فصلنامه



شماره ۱۱ و ۱۲
پاينيز و زمستان ۸۳

۳۲

تناسب و ارتباط سور

مؤلف قبل از اینکه به تفسیر سوره‌ای پردازد ارتباط آن سوره را با سوره قبلی بیان می‌کند. مثلاً در سوره نساء می‌نویسد: «بدان که حق تعالی چون ختم نموده سوره آل عمران به ذکر تقوی و فلاح بندگان به سبب آن، پس افتتاح این سوره نیز به ذکر تقوی کرد؛ الا آن است که آنجا تقوی مخصوص به آل عمران بود و اینجا شامل حال مکلفان. پس، بر سبیل عموم، خطاب فرمود: "یا ایها الناس" ^{۱۸} یا در سوره ق می‌فرماید: «و بدان که چون حق تعالی اختتام سوره حجرات نمود به ذکر ایمان و شرایط آن، افتتاح این سوره فرمود به ذکر آنچه واجبست ایمان به آن آوردن از قرآن و معاد و ادله توحید و غیر آن»؛ ^{۱۹} نیز در سوره فتح می‌نویسد: «بدان چون حق سبحانه ختم سوره متقدمه - کافرون - نمود به ذکر دین، در این سوره، افتتاح فرموده به ظهور دین» ^{۲۰}.

اسباب النزول

در مورد سوره‌هایی که شأن نزول برای آنها وارد شده، آن شأن نزول را ذکر می‌کند. در سوره طارق می‌نویسد:

«در کشف آورده که در بعضی روایات آمده که شبی حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) با عم خود، ابوطالب نشستند بود. ناگاه ستاره‌ای بدرخشید و شعله عظیمی از وی ظاهر گشت. ابوطالب بترسید. گفت: این چه چیز است؟ آن حضرت (صلوات الله علیه) بفرمود که این ستاره‌ای است که دیو را از آسمان می‌راند و نشانه‌ای است از قدرت

۱۸. همان، ج ۲، ص ۲۲۳، ذیل تفسیر سوره نساء.

۱۹. همان، ج ۹، ص ۲، ذیل تفسیر سوره ق.

۲۰. همان، ج ۱۰، ص ۳۷۱، ذیل تفسیر سوره فتح.

فصلنامه



شماره ۱۱ و ۱۲
بایز و زمستان ۸۳

الهی. فی الحال، جبرئیل نازل شد بدین سوره».^{۲۱}

نیز در سوره نبا می‌گوید:

«آورده‌اند که چون پیغمبر (صلی الله علیه و آله)، دعوت آشکار کرد و قرآن بر مردمان خواند و به روز قیامت بیم فرمود کفار در نبوت آن حضرت و نزول قرآن و وقوع بعثت اختلاف کردند و از یکدیگر می‌پرسیدند و یا از پیغمبر و مؤمنان پرسش می‌نمودند. حق تعالی از تسائل ایشان خبر داد.»^{۲۲}

مباحث تفسیری

مؤلف در این تفسیر مباحث مختلف ادبی، روایی، کلامی، فقهی و ... را مطرح کرده است. اولین این مباحث که با تفسیر ارتباط تنگاتنگی دارد مباحث ادبی شامل بحثهای لغوی، نحوی و بلاغی است. ما ابتدا به این مباحث اشاره‌ای می‌کنیم و بعد به سایر مباحث خواهیم پرداخت.

بحث لغوی

مؤلف در ابتدای تفسیر سوره سعی کرده که اکثر لغات آیات را مورد بررسی قرار دهد و این مباحث هر چه از اول تفسیر به آخر آن نزدیک می‌شویم سیر نزولی پیدا می‌کند؛ مثلاً در سوره حمد، ذیل ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ می‌نویسد:

«اسم در نزد بصریان، در اصل، سمو است و به معنی علو ... و به مذهب کوفیان مشتق است از سمه به معنای علامت و در اصل، وسم بوده است. صراط در اصل، سراط است به سین مأخوذ از: "سراط

فصلنامه



شماره ۱۱ و ۱۲
بایز و زمستان ۸۳

۲۱. همان، ص ۲۱۱، ذیل تفسیر سوره طارق.

۲۲. همان، ص ۱۲۴، ذیل تفسیر سوره نبا.

الطَّعام إذا ابتَلَقه فكأنه يسرط السابله" و لهذا آن را لقم نیز می‌گویند. به جهت آنکه التقام سابله می‌کند و قلب سین به صاد به جهت آن است که تا مطابق شود در اطباق».^{۲۳}

همچنین برای رساندن معنی لغت از اشعار استفاده کرده است. مثلاً در جایی می‌نویسد:

«بدان که نزد بعضی شیطان بر وزن فعالان است، مأخوذ از شاط یشیط به معنی بطل؛ یعنی، دیوی باطل و مخالف حق و اکثر بر آنند که بر وزن فِعال است؛ به معنای بعید و این قول اصح است و یؤید قول الشاعر:

ایما شاطن عصاه عکاه

ثم یلقى فی السجن و الاغلال».^{۲۴}

بحث نحوی

این بحث، هم همانند بحث لغوی، از ابتدا تا انتهای تفسیر سیری نزولی دارد. به عنوان مثال، مؤلف می‌نویسد:

«آنکه الم خیر مبتدای محذوف است و ذلک خبر دوم آن یا بدل و کتاب صفت آن ولا ریب که مبنی است به جهت آنکه متضمن معنی من است، منصوب المحل بر آنکه اسم لای نفی جنس است که عمل آن مثل عمل إن است...».^{۲۵}

در تفسیر آیه دوم سوره همزه می‌نویسد: «الذی جمع مالاً؛ بدل است از کل (ویلٌ لكل...) و مجرور المحل و نمی‌تواند بود که صفت همزه باشد به جهت

۲۳. همان، ج ۱، ص ۵۲، ذیل تفسیر سوره طه.

۲۴. همان، ص ۲۷، ذیل سوره حمد.

۲۵. همان، ج ۱۰، ذیل تفسیر سوره همزه.

آنکه مطابقه در تنکیر و تعریف، از شروط موصوف و صفت است.^{۲۶}

بحث بلاغی

در ذیل برخی از آیات مباحث مختلف بلاغی، از جمله: استعارات، تشبیهات و ...، بیان شده است و با دید بلاغی به آیات نگریسته شده است. مانند:

«یوم اگرچه حقیقت است از طلوع آفتاب تا غروب؛ اما در این مقام استعاره است از برای وقتی که معرّاً از ظلمت باشد و بمثابه روز روشن بود؛ چه در آخرت روز و شب نخواهد بود؛ چنانکه در اخبار صحیحہ ثابت گشته. پس اطلاق یوم بر او بر سیل تشبیه باشد.»^{۲۷}

در جای دیگر می‌نویسد:

«و اطلاق ﴿صَمٌّ بکم عمی﴾ بر اهل نفاق بر طریقه تمثیل است نه استعاره؛ زیرا، که شرط استعاره آن است که ذکر مستعار له در او مطوی باشد به وجهی که ممکن است حمل کلام مستعار منه اگر قرینه نباشد. کقول زهیر:

لدى اسرِ شاکى السّلاح مُقَدَّفٌ له لَبْدٌ اظفاره لم تُقَلِّمُ»^{۲۸}

استفاده از اشعار

مؤلف به مناسبت‌های مختلف از اشعار عربی یا فارسی برای رساندن مفهوم استفاده کرده است. مثلاً در معنی صِبْغَةَ الله آورده است:

بس بی رنگ است یار دلخواه ای دل قانع نشوی به رنگ ناگاه ای دل
اصل همه رنگها از آن بی‌رنگیست من احسن صبغة من الله ای دل^{۲۹}

۲۶. همان، ج ۱، ص ۶۹ ذیل تفسیر سوره بقره.

۲۷. همان، ج ۱، ص ۵۷، ذیل تفسیر سوره حمد.

۲۸. همان، ص ۱۰۵، ذیل تفسیر سوره بقره.

یا در ذیل آیه ﴿و لكل وجهة هو موليها﴾ آورده است:

قبله شاهان بود تاج و کمر قبله ارباب دنیا سیم و زر
 قبله صورت پرستان آب و گل قبله معنی‌شناسان جان و دل
 قبله زهاد و محراب قبول قبله بدسیرتان کار فضول
 قبله تن‌پروران خواب و خورش قبله انسان به دانش پرورش
 قبله عاشق وصال بی زوال قبله عارف کمال ذی الجلال^{۳۰}

مباحث قرآنی

در ذیل برخی از آیات، مباحث مختلف علوم قرآنی، از جمله: محکم و متشابه، تأویل، عاطفه بودن او در الراسخون و ... مباحثی را مطرح کرده است. همچنین، در تفسیر آیات از آیات دیگر قرآن بهره برده است. مانند:

«... پس مخلص کلام آن است که ما را ثابت دار بر راه ایمان یعنی:

﴿صراط الذین انعمت علیهم﴾؛ راه کسانی که به فضل شامل خود انعام کردی بر ایشان نعمت هدایت و طریق طاعت خود را؛ مراد، پیغمبران و صدیقان و شهدا و صلحایند چنان که فرموده: ﴿و من یطع الله و الرسول فاولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین﴾.^{۳۱}

همچنین برخی مواقع در ذیل یک آیه، آیاتی را به عنوان شاهد می‌آورد. در

۲۹. همان، ص ۳۳، ذیل تفسیر سوره بقره.

۳۰. همان، ص ۳۴۹، ذیل تفسیر سوره بقره.

۳۱. همان، ص ۵۲، ذیل تفسیر سوره حمد.

ذیل تفسیر آیه بیست و پنجم سوره بقره ﴿یضل به کثیراً و یربده به کثیراً و ما یضل به الا الفاسقین﴾ این آیات را آورده است: ﴿لقد جاءهم من ربهم الهدی و انما هدیناه السبیل و انزل فیہ القرآن هدی للناس و هدی للمتقین﴾ و ﴿فهدیناهم فاستحبوا العمی علی الهدی و انک لتهدی الی صراط مستقیم و هدیناه النجدین﴾^{۳۲}

مباحث روایی

در این تفسیر، ذیل مباحث مکی و مدنی، ثواب قرائت سوره، اسباب النزول و همچنین درون تفسیر آیات، روایات فراوانی آمده است.

این روایات، اغلب بدون سند هستند و نویسنده معمولاً فقط نام آخرین راوی را می آورد. مثلاً می گوید: «از ابوهریره روایت است، از ابن عباس روایت است که ...» و همچنین برخی مواقع از علمای اهل سنت روایاتی را نقل می کند. مثلاً می گوید: «مسلم بن حجاج در صحیح خود روایت کرده از پیغمبر (صلی الله علیه و آله): ... یا محدث حنبلی روایت کرده که ...».

به لحاظ متن هم اگرچه، روایات صحیح فراوانی در این تفسیر وجود دارد - چنان که خود مؤلف برخی مواقع می گوید که: «در اخبار صحیح به طریق اهل بیت از پیغمبر مروی است که ...» - وی برخی روایات ضعیف وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

روایت مخالف تاریخ قطعی

«ابوهریره روایت کرده که: "لا تجمعوا بین اسمی و کنیتی!" یعنی، جمع مکنید نام و کنیت مرا در فرزند؛ یعنی، ابوالقاسم محمد نام ولد خود مگردانید، بلکه باید یکی از این دو باشد. و اما امیرالمؤمنین را رخصت داد که نام و کنیت

فصلنامه



شماره ۱۱ و ۱۲
پاییز و زمستان ۸۳

۳۲. همان، ص ۱۴۴، ذیل تفسیر سوره بقره.

او را به فرزند خود نهد. در حینی که خوله حنفیه از او حامله بود فرمود: «یا علی إن ولدک غلام نعلته اسمی و کنیتی»؛ در حالی که، تا زمانی که حضرت فاطمه (سلام الله علیها) زنده بود حضرت امیرالمؤمنین زنی دیگر نخواست.»

روایت مخالف با تاریخ قرآن

از ابن عباس روایت است که امیرالمؤمنین (صلوات الله علیه) از اول شب تا وقت نماز صبح از برای من تفسیر فاتحه الكتاب می فرمود و هنوز از تفسیر باء بسم الله در گذشته بود و بعد از آن فرمود: «انا نقطه تحت الباء»؛ من نقطه‌ام که در زیر باء است ولی مطابق تاریخ قرآن، آن موقع نقطه‌گذاری نشده بود.^{۳۳}

روایت مخالف با علم

ذیل تفسیر آیه ﴿الذی جعل لکم الأرض فراشاً و السماء بناءً...﴾ می نویسد:
 «در آثار، آمده که ثخن هر طبقه از طبقات آسمان و زمین مقدار پانصد سال راه است و ما بین طبقه تا طبقه بر همین مقدار. بعد از خلق آسمانها حمله عرش را ایجاد فرمود و طبقات آسمان را بر دوش ایشان نهاد و فرشته دیگر را بیافرید و به او امر کرد تا دستها بگسترده از مشرق تا مغرب و زمین را برداشت؛ اما قدم او بر جایی قرار نمی گرفت. گاوی را آفرید که او چهل هزار شاخ و چهل هزار دست و پای است و آن فرشته را فرمود تا پای بر ستام گاو نهاد. شاخهای آن گاو از اقطار زمین تا زیر عرش برآمده و دهن او در دریاست. روزی یک بار نفس می کشد، مد و جزر و زیادتی و کمی آب دریا از آن است و چون قوائم گاو قرار نمی گرفت، سنگی را خلق کرد مقابل

فصلنامه



شماره ۱۱ و ۱۲
 پاییز و زمستان ۸۳

۳۳. همان، ص ۲۶، ذیل تفسیر سوره حمد.

هفت آسمان و زمین و آن را مستقر قوائم گاو گردانید...»^{۳۴}

در برخی از روایات در ثواب گفتن یک جمله کوچک ثوابهای فراوانی ذکر شده است؛ مثلاً: «در ثواب گفتن یا رینا، پیغمبر از جبرئیل خبر داده که چون بنده مؤمن این کلمه را بگوید حق تعالی به ملائکه گوید: «ای فرشتگان من، گواه باشید بر اینکه من آمرزیدم این بنده را و او را اجر عظیم کرامت فرمودم به عدد هر چه آفریدم در بهشت و در دوزخ و در هفت آسمان و زمین و به عدد مرور و کرور شمس و قمر و به عدد جمیع ستارگان و قطره‌های باران و انواع خَلْقان و کوهها و سنگریزه‌ها و غیرها و به عدد هر چه آفریده‌ام در عرش و کرسی و غیر آن و...»^{۳۵}

از برخی روایات هم بوی اسرائیلی بودن به مشام می‌رسد. ذیل ﴿یوم یناد المناد من مکان قریب﴾ آورده:

«روزی که ندا کند ندا کننده؛ یعنی، اسرافیل از جایی که نزدیک است بر آسمان. مراد، صخرهٔ بیت المقدس است که از همهٔ زمین به دوازده میل، و به روایتی هجده میل، به آسمان نزدیک‌تر است و گویند که قرب نسبت به جمیع ارض است؛ زیرا که این موضع وسط ارض است؛ پس آواز اسرافیل بر بالای آن به همهٔ اقطار زمین خواهد رسید و از هیچ موضعی دور نخواهد بود»^{۳۶}

مباحث کلامی
مؤلف، در زمینهٔ اصول دین و عقاید شیعه و مسائل مناسب با آن، متین، معقول و صریح سخن می‌گوید و تعصب و گرایش تندى از خود نشان نمی‌دهد.

۳۴. همان، ص ۱۱۸، ذیل تفسیر سورهٔ بقره.

۳۵. همان، ص ۴۴، ذیل تفسیر سورهٔ حمد.

۳۶. همان، ج ۹، ص ۲۸۰، ذیل تفسیر سورهٔ ق.

مثلاً، در یکی از مسائل کلامی که: «اعمال جزء ایمان است» میان مسلمانان اختلاف بوده است. گروهی مرتکب کبائر را کافر می‌شمردند و گروهی به منزلة بین المنزلتین قائل بودند؛ نه کافر و نه مؤمن و شیعه، مرتکب کبائر را مؤمن می‌شمارد و نه کار کافر. پس عمل جوارح جزء ایمان نیست و این سخن را همه جا تکرار کرده است؛ یا اینکه ایمان تقلیدی کافی نیست و باید یقینی و مستند به دلیل باشد. مؤلف صریحاً به آن التزام داده است.

همچنین، در مسائلی مانند: احباط، بدا، جبر و اختیار، أخذ میثاق در عالم ذر و حجیت خبر واحد به قواعد و اصول مذهب امامیه سخت پای‌بند بوده است. مؤلف در ذیل آیات مختلفی بحث امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، فضایل اهل بیت (علیهم السلام) را ذکر می‌کند. مثلاً در سوره واقعه در ذیل ﴿و السابِقون السابِقون﴾ مطرح می‌کند که مراد، علی بن ابی‌طالب است. یا در سوره تحریم ذیل ﴿و ان تظاهرا علیه فان الله هو مَولیه و جبریل و صالح المؤمنین...﴾ که مطرح می‌کند مراد به صالح مؤمنین نزد اکثر علمای اهل سنت و امامیه، امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب است. یا در سوره هل أتى (الدهر) نقل کرده که به اجماع امامیه و جمهور اهل سنت، این سوره در حق اهل بیت نازل شده است.

مباحث فقهی

مؤلف در ذیل آیات احکام، غالباً حکم فقهی آنها را نیز بیان می‌کند. به عنوان مثال می‌نویسد:

«بدان که در نماز، قول ﴿الحمد لله رب العالمین﴾ بعد از فراغ امام از فاتحه سنت است. چنان‌که جمیل از ابی‌عبدالله (علیه السلام) روایت کرده که آن حضرت فرمود: «إذا كنت خلف امام ففرغ من قراءة الفاتحة

نصنامه



شماره ۱۱ و ۱۲
بهار و زمستان ۸۳

فقل أنت من خلفه الحمد لله رب العالمين».^{۳۷}

در ذیل ﴿وَمَنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾ می‌گویید: «حق تعالی بیان فرمود که: "حکم مسافر، همان حکم حاضر است، در وجوب توجه به کعبه در صلوة، تا کسی توهم نکند که حکم مسافر خلاف حکم حاضر است».^{۳۸}

منابع تفسیر

ملا فتح الله کاشانی در تفسیر خود نظریات تفسیری بیضاوی و زواره‌ای و نیز مباحث زمخشری در کشاف و طبرسی در مجمع البیان را آورده است و از تبیان شیخ طوسی و تفسیر ابوالفتوح رازی و همچنین از تفسیر جرجانی معروف به گازر نیز استفاده کرده است. وی همچنین گاه سخنان عرفانی مشاهیر متصوفه، مانند: قشیری و سلمی، را در لا به لای تفسیر خود آورده است. وی هر جا که مناسب دیده روایات و اخباری را هم از کتب مختلف حدیثی اعم از شیعه و اهل سنت ذکر نموده است.

فصلنامه



شماره ۱۱ و ۱۲
پاییز و زمستان ۸۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۳۷. همان، ج ۱، ص ۵۶، ذیل تفسیر سوره حمد.

۳۸. همان، ص ۳۴۹، ذیل تفسیر سوره بقره.

کتاب‌نامه

۱. محسن امین، *اعیان الشیعه*، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۳۷۷.
۲. محمدهادی معرفت، *تفسیر و مفسران*، مؤسسه فرهنگی التمهدی، قم، ۱۳۸۰.
۳. آغابزرگ تهرانی، *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، اسلامیة، تهران، ۱۳۴۷.
۴. عبدالله افندی، *ریاض العلماء و حیاض الفضلاء*، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۶.
۵. ملا فتح‌الله کاشانی، *زبدة التفاسیر*، مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم، ۱۳۸۱.
۶. عقیقی بخشایشی، *طبقات مفسران شیعه*، دفتر نشر نوید اسلام، قم، ۱۳۷۷.
۷. ملا فتح‌الله کاشانی، *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، با مقدمه و پاورقی ابوالحسن شعرانی، به تصحیح علی اکبر غفاری، اسلامیة، تهران، ۱۳۷۸.

فصلنامه



شماره ۱۱ و ۱۲
بایز و زمستان ۸۳

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی